

مشکل پاکستان با افغانستان چیست؟

اخيرا مارک گروسمن نماينده ويژه آمريکا برای افغانستان و پاکستان، گفته که آمريکا "خط ديورند" را مرز رسمی میان دو کشور می داند. سفير آمريکا در کابل نیز با تائيد گفته های آقای گروسمن گفت نه تنها آمريکا بلکه اکثر کشورهای جهان خط ديورند را مرز رسمی میان دو کشور می دانند. اين اظهارات به بحث های جدی در افغانستان دامن زده است.

توجه و دقت در رسانه های افغانی، نشانگر اين واقعيت است که در اين روزها بارديگر تب خط ديورند بالا رفته و برخی را به هذيان گویی واداشته است. یکی از دشمنان بنيادی و تاريخی افغانستان، پاکستان و سازمان استخباراتی آنکشور (آی اس آی) است که در سی و سه سال اخير از هيچگونه خرابکاری و ضربه زدن به پيکر اقتصادی و اجتماعی و نظامی افغانستان دريغ نورزيده و برعکس تا توانسته بر قدرت نظامی خود افزوده است. اين پاکستان است که جنگ ۳۳ ساله را در کشور ما شعله ور ساخته است. اين پاکستان است که القاعده و طالبان را زیرچتر حمايت خود گرفته، افراطيون را پرورش و آموزش میدهد و برای دهشت افگنی به کشور های منطقه و جهان صادر میکند. در هر قدم اين دهشت افگنی ها صدها پدر را بی اولاد، صدها طفل را بی پدر و صدها زن را بی شوهر میسازد. اين جنگ افزوزان تاکنون صدها مؤسسات عام المنفعه اين وطن را به آتش کشيده اند. مؤسسات تعليمی را آتش زده و میزنند تا اين ملت همينطور کور و بیسواد باقی بماند. همين اکنون طالبان بدستور آی اس آی پاکستان اطفال معصوم ۷، ۸، ۱۰، ۱۲ ساله را غرض عمليات انتحاری درکشور ما بخدمت میگیرند.

ستراتیژیست های نظامی پاکستان، بخوبی میدانند که افغانستان اکنون در بحران عمیق بی امنیتی، فساد گسترده اداری، فقدان وحدت ملی، فقر شديد اقتصادی و بی نظمی اجتماعی قرار دارد و کشورهای خارجی هم تا سال ۲۰۱۴ بتدریج از افغانستان خارج می گردند، بنابراین منافع ستراتیژیک آنکشور را در بی ثباتی و نا امنی افغانستان جستجو مینمایند و باور دارند که عناصر وطن فروش داخلی منجمله رهبران تنظیم های ساخت پاکستان در افغانستان در تبنای و همدستی با وطن فروشان افغان مقیم پاکستان یعنی ملا عمر و ملا حقانی و ملا گلبدین، آن کشور را در بر آوردن نیاتش یاری میکنند.

حملات راکتی روزافزون پاکستان از مناطق قبایلی، به ولایات مختلف افغانستان در یک ونیم سال گذشته که منجر به استیضاح و برکناری وزرای دفاع و داخله شد، مشکلات امنیتی افغانستان را دو چندان کرده و بر اختلاف دیدگاه ها درباره مذاکره با پاکستان افزوده است تا آنجا که پارلمان افغانستان نیز با مذاکرات ستراتیژیک اسلام آباد مخالفت خود را ابراز داشت.

درمدت زمانی که حملات راکتی پاکستان به داخل افغانستان جریان داشته است، قوماندان عمومی امریکائی در افغانستان چندین بار به اسلام آباد رفته و مذاکرات متعددی بامسئولین سازمان استخبارات نظامی این کشور «آی اس آی» و مقامهای ارشد امنیتی آن کشور کرده است، ولی نه دیدگاه امریکایی ها نسبت به اين راکت پرانی پاکستان روشن است و نه تلاشی از سوی آنها برای مقابله با اين حملات صورت میگیرد، اکنون باید احزاب سیاسی وطن خواه و نیروهای آگاه و دلسوز افغانستان متوجه موضع گیریهای احساساتی شخصيتها و دولت مردانی باشند که میخواهند با سخنان پوچ و بی معنی خود کشور را با خطر یک جنگ تمام عيار روبرو سازند و افغانستان عزیز را فدای رویاهای سازند که تا پاکستان زنده باشد، هرگز به حقیقت مبدل نخواهد شد.

مشکل عمده پاکستان با افغانستان، برسمیت شناختن «خط ديورند» و تسلط بر رودخانه های کنر

وکابل و داشتن نقش کلیدی در مسایل سیاسی- اقتصادی افغانستان است:

هیچ مذاکره ای با پاکستان کارساز نخواهد اقتاد تا مذاکره در باره حل معضله خط ديورند با پاکستان بفرجام نرسیده باشد. البته کرسی برای حل و فصل معضله خط ديورند با پاکستان ده سال فرصت را از دست داد که اگر میخواست این مسأله راه حل معقولی بیابد، به دلیل حضور نیروهای خارجی می توانست از موضع نیرومند تری وارد شود و به نحوی با حمايت آمريکا به یک راه حل مفید برای کشور نزدیک گردد، راه حلی که امنیت را بیشتر تضمین میکرد و زمینه های بازسازی کشور را بهتر از هر وقت دیگر فراهم مینمود. اکنون در حالی که نیروهای خارجی در

حال خروج از افغانستان هستند و در همین حال روابط امریکا و پاکستان نیز افول کرده و بر اثر راکت پرانی های متناوب نیروهای پاکستانی به مناطق ننگرهار، کنر و نورستان، روابط کابل و اسلام آباد بیش از هر وقت دیگر بسردی گرائیده، واکنش اخیر وزارت خارجه افغانستان به مصاحبه نماینده خاص امریکا «مارک گروسمن» در مسایل افغانستان و پاکستان، خطر تشدید حملات پاکستان را بر ولایات شرقی و جنوبی افغانستان را بیشتر خواهد ساخت. گروسمن در یک گفتگوی ویژه با تلویزیون «۱» گفت کشور متبوعش، خط دیورند را مرز میان افغانستان و پاکستان می‌داند. وزارت خارجه در جواب مارک گروسمن گفته است: حکومت افغانستان، اظهار نظر در مورد وضعیت حقوقی خط دیورند را از سوی هر کسی که باشد، رد می‌کند. وزارت خارجه افغانستان به همین رد کردن اکتفا کرده و برای حل معضله خط دیورند هیچگونه راه حل معقول و عادلانه ای ارایه نکرده است.

روزنامه ۸ صبح، در ارتباط به اعلامیه وزارت خارجه مینویسد: «آقای کرزی در آخرین کنفرانس خبری‌اش، آنسوی خط دیورند را خاک «کشور برادر پاکستان» خواند. اما شیرمحمد کریمی، رییس ارکان حرب کشور، باری گفت که مرز افغانستان دریای سند است. حالا وزارت امور خارجه اظهارات مارک گروسمن را در مورد وضعیت حقوقی خط دیورند رد کرده است. معنای این اظهارات این است که افغانستان خط مرزی کنونی را به‌عنوان مرز با پاکستان به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما واضح نیست که افغانستان با چه روشی می‌خواهد این معضل را حل کند؟ این ابهام سبب شده که شماری از جنرال‌های پاکستانی، سیاست حمایت از طالبان را برای افکار عمومی پاکستان توجیه کنند. سیاست مبهم در قبال حل معضل دیورند و موکول کردن آن به «مردم افغانستان» خردمندانه نیست. باید حکومت برای حل معضل دیورند راهکار مشخصی داشته باشد. حکومت باید برای حل این معضل، از سیاست‌مداران، احزاب سیاسی، ایتلاف‌ها، جامعه مدنی و اصحاب رسانه‌ها و پارلمان نظرخواهی کند. حل معضل دیورند سبب می‌شود که تمام بهانه‌های جنرالان پاکستانی، برای مداخله در افغانستان خنثا شود.» (۸ صبح ۲۰۱۲/۱۰/۲۴)

سیاست افغانستان با پاکستان در نیمه دوم قرن بیستم برسحقوق سیاسی مردمان آنسوی خط دیورند به دلیل مشترکات تاریخی و جغرافیائی و نژادی و زبانی و فرهنگی، مبتنی بر حق تعیین سرنوشت یا حق خودارادیت برادران پشتون و بلوچ بوده است، و کم از کم مدت چهل سال دهل «دا پشتونستان زموژ» را به نمایندگی از مردم آنسوی خط به صدا در آورده بود، ولی با اعلامیه جدید وزارت خارجه که خط دیورند را به عنوان مرز مشترک با پاکستان برسمیت نمی‌شناسد، می‌خواهد چی چیز را ثابت کند، جز اینکه باز هم مناطق شرقی کشور را با راکت پرانی های بیشتر پاکستان مواجه با خطر نماید و پاکستان را تحریک کند تا برای اشغال قسمت های بیشتر خاک های شرقی و جنوبی کشور داخل اقدامات نظامی گردد؟ آیا افغانستان در وضعیت کنونی توانائی مقابله و رویارویی با اردوی مجهز و مجرب پاکستان را دارد؟ رئیس جمهور حامدکرزی روز ۴ اکتوبر در صحبت با ژورنالیستان اظهار کرد که افغانستان توان مقابله با پاکستان را ندارد؟ در این حال اعلامیه وزارت خارجه بدون تردید احتمال یک جنگ جدید با دشمن قوی و محیل را بیشتر خواهد ساخت و وی را تشویق به پیشروی به داخل حریم سیاسی کشور خواهد نمود، تا باز هم بخشهای بیشتری را تصاحب نماید و در آن پوسته های امنیتی ایجاد کند. در گذشته پاکستان تنها در صدد تثبیت خط دیورند به عنوان خط مرزی رسمی میان دو کشور بود، اما امروز توقعات پاکستان از افغانستان بسیار بیشتر از آنست که در دوران ظاهرشاه و رئیس جمهور داوود خان بود.

تعلل حکومت افغانستان برای دست یابی یک راه حل عادلانه در مورد رفع اختلافات مرزی با پاکستان، سبب شده است تا پاکستان درده سال اخیر به بهانه مبارزه با تروریسم به داخل افغانستان پیشروی نماید و در نقاط استراتژیک پوسته های دیده بان ایجاد نماید.

اشغال نقاط استراتژیک ولایات شرقی کشور

ولایات نورستان و کنروننگرهار با داشتن رودخانه های خروشان و پر آب، جنگلات وسیع درختان ارچه و نشتر و نیز داشتن معادن گرانبهای سنگ های قیمتی مینرال، از غنی ترین ولایات شرقی کشور ما هستند که توجه نظامی گران پاکستانی را از مدتها قبل به خود معطوف داشته است. پاکستان تا آنجا که برایش ممکن بوده تلاش کرده است تا سران قومی این ولایات را با نشان دادن زر و زور و وعده های دادن امتیازات مادی بخود وابسته کند و در این راستا از ترور شخصیت‌های موثر این ولایات نیز دریغ نورزیده است و اگر این سیاست موثر واقع نگردد از ضربات راکت و توپخانه نیز در این ولایات کار میگیرد، چنانکه در ظرف دوسال اخیر بوقفه ها نظامیان پاکستان بوسیله راکت و توپخانه خود این ولایات را کوبیده است.

هفت سال قبل وزارت سرحدات و اقوام و قبایل افغانستان، مکتوبی مبنی بر مداخلات پاکستان در ولایات شرقی کشور، عنوانی ریاست جمهوری و کاپی آن را به وزارت خانه های امور خارجه و امور داخله و ریاست امنیت ملی رسماً

ارسال داشته است. سند در شماره جریده افغان چاپ کابل (شماره ۹۶ جوزای ۱۳۸۴) به نشر رسیده است. این سند به زبان پشتو نوشته شده و حاوی مضمون نیل است: «بعد از مقدمه ... تقریباً یکسال قبل قوای نظامی پاکستان با نیرنگ و حيله همراه با قوای بین المللی (ضد تروریسم) خط دیورند را اشغال کردند و خود را به هدفهای قبلی خویش رساندند.

اشغال خط مرزی دیورند در جایش باشد، حال حکومت پاکستان میخواهد بزرگان اقوام ساحل شرقی رودخانه کنر، بریکوت، ناری، اسمار و دنگام، مروری، سرکانو، ولسوالی خاص کنر و منطقه مهم استر تیزیک یعقوبی، ولسوالی لعل پور مربوط ولایت ننگرهار را که بر کرانه رودخانه کابل- کنر واقع شده است به طرفداری خود متمایل سازد. پاکستان در مناطق مذکور با اقوام مختلف روابط و پیوند خود را محکم ساخته و از طریق دادن امتیازات مادی و موجب معاش به سران اقوام مذکور در نظر دارد آنها را تحت تاثیر خود قرار بدهد. و از این طریق اقوام ساحل شرقی رودخانه کنر را (ظاهراً از طریق یک شورش قومی) به گردن ما بیندازد و خود بر غندی خیر بنشیند. اقوامی که در ساحل شرقی رودخانه کنر زندگی میکنند بقرار ذیل اند: گوجر، سالار زی، مومند، اتمانخیل، باجوری، صافی، شینواری. و در ولسوالیهای سرحدی ننگرهار مانند لعل پور و گوشته اقوام: مومند، صافی و شینواری بود و باش دارند. برای حکومت افغانستان لازم است تا بصورت عاجل موضوع را تحت نظر جدی بگیرد و هرچه زودتر بساختن بند برق و بند آبگران برای انکشاف زراعت مبادرت نماید. و با اقوام مسکون در ساحل شرقی رودخانه کنر روابط سری و علنی از راه برگزاری جرگه های قومی ایجاد نماید. و هرگاه در این زمینه غفلت شود، از رودخانه کنر مساله رود هلمند درست خواهد شد و برای نسلهای بعدی تاریخی پر از شرم و مشکلات به میراث خواهد ماند. از همه مهم تر نقطه استر تیزیکی که اکنون حکومت پاکستان پوسته های سرحدی خود را بر آن جایجا کرده است، کوه "ایله جای" است که از کنار این کوه رودخانه کنر عبور میکند و نقطه حاکمی بشمار میرود که بر هر دو ولایت ننگرهار و کنر حاکمیت دارد و پوسته های پاکستانی میتوانند از این نقطه برای اهداف نظامی کار بگیرند و ولایات کنر و ننگرهار را دچار مشکل کنند. هرگاه به کوه های واقع در شرق ننگرهار و کنر نظر بیندازیم ملاحظه میشود که تمام این کوه ها از جانب ملیشه ها و قوتهای نظامی پاکستانی اشغال شده اند. با تاسف باید گفته شود که نسبت به رودخانه کنر بی پروایی روان است و این بازی با سرنوشت خاک و وطن خواهد بود. حکومت باید تمام توجه مادی و معنوی خود را بدانسو معطوف کند.»

این سند بیانگر اوضاع سیاسی ولایات کنر ها و ننگرهار و نورستان در هفت سال پیش است و جای تردیدی باقی نمیگذارد که پاکستان بطور علنی در امور داخلی کشور ما مداخله میکند و نه تنها مانع عمده ثبات و استقرار میگردد، بلکه قصد دارد مردم این ولایات را تحت نفوذ استعماری و استثماراری خود در آورد تا هر وقت خواسته باشند آنها را به نفع خود برضد دولت کابل به عکس العمل وادارد.

اکنون پاکستان برای رسیدن به خواسته های استراتژیکیکش دست بالایی در افغانستان دارد و تنها با برسمیت شناختن خط دیورند قناعت ندارد، بلکه خواهان مقدار بیشتر آب رودخانه کابل و مخالف هرگونه بند و پروژه ایباری بر رودخانه کنر میباشد. همچنان پاکستان خواستار نقش کلیدی ترسیاسی و اقتصادی در افغانستان هست و از حکومت افغانستان میخواهد که باید مقامات دفاع و داخله و امنیت ملی با مشورت و صوابدید آن کشور مقرر شوند و در استخراج معادن افغانستان به شرکت های پاکستانی حق اولویت داده شود. همچنین پاکستان به شدت مایل است که از نقش هند در افغانستان کاسته شود.

اخیراً احمد رشید، نویسنده و ژورنالیست نامدار پاکستانی، در مصاحبه با خبرگزارس فارس در لاهور اظهار داشت که سیاست خارجی پاکستان توسط اردوی پاکستان رهبری و دیکته میشود، با آنکه معلوم نیست اردوی پاکستان از افغانستان چه میخواهد، اما برسمیت شناختن خط دیورند بحیث مرز رسمی و حذف نقش هندوستان در افغانستان از اولویت های سیاست خارجی پاکستان با افغانستان است.

پاکستان به شدت از پیمان امنیتی افغانستان و آمریکا نگران است؛ زیرا وجود نظامیان امریکایی در افغانستان برای ده سال آینده و بیشتر از آن، ضمانتی به شمار می رود برای دفاع از افغانستان در برابر تجاوز بیرونی. پاکستان می داند که بی تفاوتی ایالات متحده آمریکا در برابر حملات دوامدار پاکستان بر ولایات شرقی افغانستان علنی دارد و آن اینکه افغانستان تحت فشار قرار گیرد و به امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا توجه بیشتر کند. در کنار آن جامعه مدنی افغانستان بر حکومت فشار های خود را بیشتر افزایش داده تا تا مین امنیت و ثبات در این کشور را به عنوان یکی از پیش شرط های مهم امضای پیمان امنیتی با آمریکا، در نظر داشته باشد.

پایان ۲۷/۱۰/۲۰۱۲